

جلسہ دوم. ۲/۸/۱۴۰۳

هیئت هفتگی سلام علیکم، در مورد سوره یاسین نکاتی رو هفته گذشته عرض کردیم و این هفته هم قرار شد که اون بخشی که باقی مانده بود رو خدمت شما تقدیم بنماییم ،،، خب (یاسین و القرآن حکیم) ،، حکیم بودن قرآن به معنای اینه که هم حکمت آموزه یعنی حرف حکیمانه داره، هم محکم حرف میزنه ، یعنی به قول ما ایرونی‌ها می‌پُره و حرف آخر رو میزنه،،، ما هم همیشه بر سر انتخاب‌های خودمون هستیم، یعنی روز قیامت بهشت و جهنم و این‌ها هرچه که هست ما سر سفره خودمون نشستیم ، خودمون هر چیزی که تهیه کردیم، هر چیزی که میلمون بوده، هر چیزی که خواستیم، هر چیزی که به دنبالش رفتیم، همون برای ما مهیا میشه، و خداوند چیزی که ما می‌خوایم برای ما مهیا میکنه ،،، هرچه هست از قامت ناساز بی اندام ماست یعنی اون طرف قرار نیست که اتفاق دیگری غیر از میل و رغبت ما غیر از چیزی که ما کاشتیم برداشت بشه،، چرا؟؟ چون همه تربیت انسانی بر اساس انتخاب‌های خودش شکل می‌گیره، یعنی خدا بنای رشد انسان رو بر اساس انتخاب‌هاش گذاشته،، شما انتخاب می‌کنید که استراحت کنی یا ورزش کنی؟؟ خب نتیجه‌اش هر متفاوتی،، شما انتخاب می‌کنی که مطالعه کنی یا به بطالت بگذرونی؟؟ انتخاب می‌کنی که فکر کنی یا نه بازی در بیاری؟؟ انتخاب می‌کنی که مثلاً تو توسل به اهل چه شکلی باشیم؟؟ انتخاب می‌کنی که اصلاً دین داشته باشی یا نداشته باشی؟؟ همه رشد ما بر اساس انتخاب‌های ما شکل گرفته انتخاب می‌کنیم که راست بگیریم یا دروغ؟؟ انتخاب می‌کنیم که نگاه حرام یا حلال؟؟ انتخاب می‌کنی که لقمه حلال یا حرام؟؟ همه اینام اثرهاش مشخصه، ما تو دنیایی داریم زندگی می‌کنیم که یه کاسه ماست می‌خوریم سردیمون میشه، یه دو قاچ خربزه می‌خوریم می‌گن پای لرزش باید بشینیم، یه دفعه می‌بینی حالت بد شده سرما خوردی ، بابا چیکار کردم مگه یه باد بهمون می‌خوره سرما می‌خوریم، یه چایی نبات بهمون میدن اثر اون سردیه از بین میره، خلاصه می‌خوام بگم که وقتی روی جسم ما انقدر تأثیر و تأثر زیاده ، با یه سردی گرمی خوردن حالمون عوض میشه ، یه ساعت خواب ما اینور اونور میشه ،، به هم می‌ریزیم، یه موقع یه نفر میاد یه حرف میزنه ،، یه جمله یه نفر میگه یه جوری به هم می‌ریزیم یه هفته داغونیم،، یه کسی یه نگاهی میکنه که من احساس می‌کنم توش تمسخر بود، میبینی اصلاً من مسیر زندگیم تغییر می‌کنه،، خیلی وقتا گاهی وقتا یه احسن باریکلا به یکی میگی می‌بینی تمام سرنوشتش تغییر کرده، خب وقتی شما توی دنیایی زندگی می‌کنی که اینقدر اثر زیاده، از هر چیزی انسان میتونه تأثیر و تأثر بگیره از هر چیزی انسان میتونه یه فضایی براش باز بشه، خب انتخاب‌هاش هم اثر داره، گاهی وقتا سرنوشت ما رو یک دوست تغییر میده ، که انقدر قرآن تاکید داره،، تو عرصه‌های اجتماعی هم همین شکلیه،، یعنی قرآن میگه . إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

حَتَّى يُعْجِزُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (سوره رعد، آیه ۱۱) ،، خداوند سرنوشت هیچ قومی رو تغییر نمیده مگر اینکه خودشون بخوان،، یعنی شما میتونی یه عادت اجتماعی داشته باشی، می‌تونی شقاوت داشته باشی به جهت اجتماعی، میتونی یه کاری بکنی که درس عبرت بشی برای تاریخ، تاریخ شما رو لعن بکنه، یه کاری بکنی که نه به افتخار از شما یاد بشه، ، خلاصه می‌خوام بگم که ما بر سر سفره انتخاب‌های خودمون نشستیم، اون آیه و القرآن الحکیم رو می‌خوایم یه ذره معنا کنیم، حالا که اینجوریه هر تصمیم ما اگر اینقدر مهمه چه شکلی باید تصمیم بگیریم؟؟ در زندگی، تو موضوعات فردی، تو موضوعات ریز و درشت، موضوعات کلان اجتماعی سیاسی و غیره،، خب باید یه مبنایی باشه دیگه،، شما مبنای شما معلوم می‌کنه،، که شما تصمیمتون چه شکلیه؟؟ ما برای هر تصمیممون یه ملاکی داریم ،، ملاک ما یا لذت بردنه یا حاجت گرفتن الان شما برای چی اومدید هیئت؟؟ خونمون کوچیک بوده بچه‌ها شلوغ می‌کردن گفتیم ببریم اینا رو ول کنیم تو هیئت؟؟؟ یه ذره نفس بکشیم؟؟ این یه ملاکه بعضیا گفتن دلمون تنگ شده ، بعضی بچه‌ها رو ندیدیم بریم رفقایمون رو ببینیم،، بعضیا میگن خب خیلی حال می‌ده ،، بعضیا میگن بیرون سرده بریم یه جا گرمه بشینیم،، بالاخره ملاک‌ها مختلفه دیگه ، بعضیا میان توسل میکنن ،، بعضیا دلشون واقعاً برای امام حسین تنگ میشه،، بعضیا به لحاظ تربیتی برای خودشون واجب می‌دانند که هفته‌ای یه روزه داشته باشن،، به لحاظ روحی احساس می‌کنن یه عطشی در وجودشون هست که باید هر هفته یه موعظه‌ای بشنون، از آیه قرآن از احادیث و روایات،، بالاخره ملاک مهمه، بر چه اساسی شما از چراغ قرمز رد شدی، کسی کاری به کارت نداره نیت شما چی بود که از چراغ قرمز رد شدی ، افسر می‌نویسه یا دوربین ،، میگی عزیزم تو بیمارستان بود عجله داشتم مسئله مرگ و زندگی بود این دارو رو می‌رسوندم،، اون میگه من دیگه به ملاک و معیار تو کار ندارم که، شما از چراغ قرمز رد شدی.. یا فلان جا مؤدب بودی از چراغ قرمز رد نشدی،، اما توی حساب و کتاب خدا ملاک شما هم مهمه، توی تصمیمات گاهی وقتا تصمیم درسته ، ملاکه اشتباهه،، اومدم هیئت ،، کار درسته ،، اما اومدم که مثلاً یه کفش بدزدیم ببرم، رفته مسجد برای اینکه مثلاً یه سرقتی بکنه ،، رفته پیاده‌روی اربعین که اونجا کیف‌ها رو بزنه ،، اینجوری هم داریم دیگه ،، بر اساس چه ملاکی هم رفته توی اون پیاده‌روی؟؟ توی این هیئت این حرفو زد ، اونجا خندید، اونجا گریه کرد، این برای خدا مهمه؛ به هر حال ما اگر قرار باشه مثلاً یه ماشین بخریم میریم با متخصصش یه مشورت میکنیم ،، بعضیا ظاهرش خیلی مهمه براشون لوکس باشه ، بعضیا فنی ماشین خیلی مهمه ، بالاخره ما تصمیماتمون بر اساس ملاک‌هایی که داریم هست ،، قرآن ادعا داره میگه یاسین و القرآن الحکیم قسم به اون قرآنی که هم حکمت آمیز حرف میزنه ، هم محکم ،، همین که میگه درست درسته، خیلی ما امروز نیاز داریم به یه کسی که بیاد یه حرفی بزنه من بگم آقا این قطعه ،، چون هر کی یه چیزی میگه،، تو موضوعات دینی هم همین شکلیه،، الان شما دارید میبینید

تو موضوعات دینی به دفعه می‌بینی که انواع و اقسام فرقه‌ها تو شیعه به وجود اومده انواع و اقسام فرقه‌ها تو اهل سنت به وجود اومده انواع و اقسام فرقه‌ها مسیحیا دارند ، ده جور انجیل دارند، هزار جور تورات دارند، کتب مقدس همینجوری داره تولید میشه میاد بیرون، نسبت به چیزی که فکر می‌کنن میرن می‌نویسن میارن ،، هر روز به اتفاق جدید دور و بر خودمون داره میفته، اون میگه امام زمان ظهور کرده ، اون یکی میاد میگه من زن امام زمانم ،، کلی فک و فامیل امام زمان داریم که تو زندان ،، هرکی اومده به چیزی گفته ،، کلی امام زمان داریم که الان تو زندانه ،، و عجیبه که نمی‌تونه فرار کنه و فرقه‌های عجیب غریب، هرکی به چیزی به نظری، اون میگه این پیغمبر اینجوری بوده به نظر من این پیغمبر مثلاً از خودش بافته به چیزایی قرآن رو ،، اون یکی میگه به نظر من سلمان بهش یاد داده، به نظر من اون موقع که میرفت تو غار به نفر بوده اونجا اومده گفته ،، آقا هیچ ملاک و معیاری مهم‌تر و محکم‌تر از قرآن ما الان نداریم تو این عالم، چون هرکی بر هر اساسی داره حرف میزنه، بر اساس سلیقه خودش که داره حرف میزنه و بر اساس منافعشه که داره حرف میزنه،،، ما با دلیل می‌تونیم وایسیم قسم حضرت عباس بخوریم که این قرآن نه تحریف شده ،، ۱۴۰۰ ساله همین بوده همه فرق مسلمین همین قرآن رو دارن، واوی ازش جابجا نشده و وقتی شما میری داخلش می‌بینی که دریای حکمت،، ما هفته پیش والقران الحکیم بودیم هنوزم والقران الحکیمیم ،، میتونیم در مورد این والقران الحکیم ۱۰ جلسه دیگه حرف بزنیم... قرآن رو به بار شما به نگاه کفرآمیز برید ببینید بخونید، برید به بار قرآن رو مطالعه بکنید، مثل پدرانمون نباشیم که حالا ما دینمون از بابامون گرفتیم از مادرمون گرفتیم،، بگیم من به هیچی اعتقاد ندارم، ببینم قرآن چی میگه؟ کسانی که این کار رو کردن و امتحان کردن عاشق این کتاب شدند ،،، نهج البلاغه رو بریم بگیم آقا من دین من انسانیت،، می‌خوام ببینم امیرالمؤمنین چی می‌گفته؟ در دوران حکومتش در خطبه‌ها نامه‌هاش چی بوده؟ حکمت هاش چی بوده؟ سیره مولا علی چی بوده؟ ببین عاشق امیرالمؤمنین نمی‌شی؟؟ اصلاً شما شیعه هم نباشید والقران الحکیم محکمه محکمه توی این فضا ... به خاطر همین به روایت داره که تو هنگامی که فتنه به پا میشه که دوره ما روزگار روزگار فتنه است، میگن به قرآن پناه ببرید... چون تو روایات هم به ذره کار کارشناسی لازمه که شما بتونید تشخیص بدی که این روایت.. هزاران روایت عجیب و غریب وارد دین ما شده، تو اهل سنت و شیعه، از به جایی که حسبن کتاب الله گفتند و ممنوعیت حدیث شد و احادیث رو آتش زدن،، از اون طرف حدیث‌سازی اتفاق افتاد، خب ضربه زیادی خورده اونجا ما نیاز به کارشناس داریم ،، ولی قرآن که من. می‌تونم بخونم و بهش عمل بکنم ... آقا سوءظن نداشته باشیم ، آیه داره غیبت نکنیم ، آیه داره دروغ نگو ، قصه‌های مختلف انواع و اقسام سرنوشته‌های پیامبران را آورده که ما می‌دونیم اینا محکمه و قطعیه؛ مثل تورات و انجیل نیست قصه‌های مختلف در مورد به پیغمبری گفته شده غیر قابل باور؛ یعنی تهمت‌های سنگینی که به

پیامبران زدن توی اون مجموعه، [اهمیت این حرف به اینه]، متأسفانه دوره ما دوره‌ایه که حرف متخصصین، اون‌هایی که غور می‌کنند در قرآن و روایات و متخصص این کار هستند، رو زمین می‌مونه گاهی یه دفعه یه سلبریتی یه فوتبالیست یه خواننده یا نمی‌دونم چی میاد یه تویییت می‌زنه یه استوری می‌ذاره یه جمله یه شبهه می‌ندازه، همه میگن نه بابا، طرف فکر نمی‌کنه که خب این بر چه اساسی این جمله را از کجا آورد؟؟ اینکه من بشینم فکر کنم بعد یه چیزی ببندم، یه حرفی رو، من چرا باید باور کنم؟ بعد آیه قرآن میزاری جلوش تفسیر رو میزاری، جلوش حدیث رو می‌ذاری، جلوش هزار تا ان قلت میاره، ولی اون آدمه یه دونه تویییت زده، اهمیت این حرف اینه که ما واقعاً بدونیم که والقرآن الحکیم باید بریم سراغ قرآن،،، و خب طبیعی هم هست که به هر حال الان شما یه فوتبالیستی که درآمدهای میلیاردی داره مقایسه بکنید مثلاً با یه استاد دانشگاهی که مثلاً جامعه شناسه، علوم انسانی داره کار می‌کنه،،، چه به درد ما می‌خوره؟ فقط اینکه بدانیم؟؟ نه این برای اینه که ما هم تصمیماتمون محکم باشه الان خیلی از خانواده‌ها تو ازدواج بچه‌هاشون گرفتارن،، چرا؟؟؟ چون این پدر و مادر خودشون از ابتدا حرف‌ها تصمیم‌ها کلامشون رفتارشون محکم نبوده یعنی حکمت آمیز نبوده، بچه ندیده از این پدر و مادر حکمت‌آمیز حرف بزنه، حکمت‌آمیز کار بکنه یا وقتی که یک کاری یه حرفی می‌زنه یه چیزی درخواست می‌کنه اعتماد کنه به این پدر به این مادر که یه چیزی گفته انجام نداده، یه کاری کرده برخلاف اون چیزی که بیرون داره نشون میده، تو خونه بالاخره داره می‌بینه این بچه و با این تصویر داره بزرگ میشه،،، حالا می‌رسه به سن ازدواج می‌خواد ازدواج کنه، خودش میره یه نفرو پیدا می‌کنه، چون اعتمادی به این پدر و این مادر نداره، چون رفتار محکم و حکیمانه از این پدر مادر ندیده، حالا تو هی می‌خوای بهش اثبات کنی که ببین پسر من این راهش نیست، دختر من این راهش نیست، کی اتفاق میفته؟ زمانی که این پدر مادر واقعا خودشون یه شکلی برخورد کرده باشن که این دختره وقتی میرسه به یه سنی، پسره وقتی میرسه به یک سنی، بگه ببین بابام بیراهه نمیکه، اگر یه چیزی بگه حرفش بر اساس یه ملاک و معیار درستی،، هرچی او بگه درسته،، خیلی مهمه ها،، الان جوونا این اعتمادو ندارن،، چرا؟؟ به خاطر اینکه از من هزار جور تناقض دیده، خب اینجا پیشنهاد چیه؟؟ چیکار باید بکنیم؟؟ برای پدر مادرهایی که تو این فضا هستند برای جوونایی که ایشالله دارن یه کارایی میکنن یه کارایی کردن نمی‌گن به کسی اگر کار محکم می‌خوان بکنیم، دو تا کارشناس، یعنی دو تا متخصص، یعنی دو تا مشاور خانواده، دوتا، حتماً دوتا آدم مختلف،، این دو نفر باید برن،، پدر مادرها هم اتفاقاً اگه بلدن هم به نظرم خیلی دخالت نکنن، اگه قرار بود یه وصلتی صورت بگیره پدر مادر هم بگن ببین ما خیلی بلد نیستیم، اگه می‌خوای یه کاری بکنی که محکم باشه دو تا مشاور خانواده می‌فرستیم شما رو، دوتا آدم مختلف،، اگه هر دو تا مشاور یک حرف زدن، گفتن به درد هم نمی‌خورید یا به درد هم می‌خورید که حرف تمامه، اگه حرفا مختلف

بود، یکی گفت خیلی خوبید شما به درد هم می‌خورید، ولی دومی گفت نه، مشاور سومی باید مراجعه کنید، که نظرات دو به یک بشه ،، اینجوری آدم بهتر میتونه تشخیص بده ، خیلی میخواد محکم بشه ۵ تا کارشناس ، که سه به دو بشه مثلاً ،،، تهش اینه دیگه دیگه ، و خب این به نظر میرسه که ملاک درستیه،،،، هرچی بخوای نصیحت بکنی دیگه در نیاد ، چون باید سال‌ها قبل شما فکر می‌کردی که یه رفتاری می‌کردی که این فرزند شما احساس نکنه که شما بر اساس حب و بغض تصمیم می‌گیری،، بابا این مادر ما هرچی میشه جیغ و داد می‌کنه احساساتی عمل می‌کنه پس اینجام نمی‌تونه،، این بابای ما هر وقت که یه داستانی میشه عصبانی میشه داد و بیداد می‌کنه ، احساساتی عمل می‌کنه، پس اینجام نمی‌تونه به من حرف منطقی درستی بزنه،، چون من رفتار منطقی ندیدم از این دوتا،، این ناخودآگاه این بچه است ،، قرآن برای اینه اونایی که با قرآن انس دارن، با مفاهیم قرآن انس دارن، والقرآن الحکیم قرآن یه کاری می‌کنه که این‌ها حکیمانه برخورد می‌کنند ، حکیمانه رفتار می‌کنند، بلکه محل رجوع میشن،، آدمای دیگه هم به اینا رجوع می‌کنن ، همه جا اینا باید ریش سفیدی کنن،، همه جا اینا باید میانجی‌گری کنن همه جا این‌ها باید پا در میونی کنن یه موضوعاتی رو حل بکنن، مردم به این آدم‌ها اعتماد می‌کنن ،؟؟ چرا چون کنار قرآن ایستاده، ویژگی قرآن رو گرفته به خودش، خودمم فکر نمی‌کردم مثلاً در مورد یه آیه ما دو هفته بتونیم اینجوری مثلاً حرف بزنیم ولی واقعیت اینه؛؛ هرچه که دنیای اسلام الان داره بلا سرش میاد، چه شیعه و چه سنی، به خاطر دور شدن از این کتاب و مکتب اساتید، این کتاب که اهل بیت علیهم السلام هستن، ما فاصله گرفتیم ، واقعیت اینه که خیلی می‌گیم به نظر من اینجوری به نظر خیلی متکی هستیم، این اینستاگرام بیچاره کرده مردم رو ،، یعنی فقط یه فضاییه که هی ما داریم چشم و هم چشمی میکنیم، اصلاً عجیب و غریبه هرچی اونجا می‌بینیم دلمون می‌خواد و می‌فهمیم فریبه، ولی بازم دنبال می‌کنیم، ، طرف پوست موز رو زمین دیده بود، گفت ای بابا بازم باید بخوریم زمین ، خب از اونور برو،، می‌فهمیم داره ما رو خراب می‌کنه، بازم هستیم، بگذریم،، شاید همین سوره یاسین رو آیه به آیه رفتیم جلو خدا را چه دیدی؛؛]]

خدایا ما رو از خواب غفلت بیدار بفرما [[